



## The principle of universal jurisdiction in international criminal law and the Afghan penal code

Abdul Karim Eskandari

### Abstract

One of the basic topics in the field of international criminal law is the principle of competencies, which are divided into territorial, personal, protective, and global competencies in terms of territorial territory and beyond. The principle of universal jurisdiction has been established for the national courts of states to prosecute and try international criminals and protect the order and security of countries at the domestic and international levels, considering the complementarity of the jurisdiction of the International Criminal Court. According to this principle, all countries have the right to try international criminals, and due to its secondary nature, it can be implemented by the domestic courts of the states with special conditions and in the absence of other jurisdictions. In this research, an attempt is made to examine universal jurisdiction, its principles, and implementation conditions from the point of view of international documents and Afghan criminal law, and this principle is described and investigated using a library method. Acceptance of this principle is optional, like membership in the Rome Statute, and for this reason, there is no single practice by countries in the field of its acceptance and the crimes covered by this competence, and therefore, it faces legal and non-legal challenges in terms of implementation, but in total, the examples The practice of this principle indicates its effective function in the field of fighting international crimes, especially for weak countries.

**Keywords:** Universal jurisdiction, international punishment, foundations, territory, implementation conditions, obsta



## اصل صلاحیت جهانی در حقوق جزای بین‌الملل و کود جزای افغانستان

عبدالکریم اسکندری\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۵

### چکیده

از مباحث اساسی در حوزه حقوق جزای بین‌الملل، اصل صلاحیت‌ها است که به لحاظ قلمرو مکانی و فراتر از آن به صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، حمایتی و جهانی تقسیم می‌گردد. اصل صلاحیت جهانی با توجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان جزای بین‌الملل، در راستای تعقیب و محکمه جناتیکاران بین‌المللی و حفاظت از نظم و امنیت کشورها در سطح داخلی و بین‌المللی برای محاکم ملی دولت‌ها تاسیس شده است. به موجب این اصل تمامی کشورها حق محکمه جناتیکاران بین‌المللی را دارد و با توجه به فرعی بودن آن با شرایط خاص و در صورت نبود سایر صلاحیت‌ها، توسط محاکم داخلی دولت‌ها قابل تطبیق است. در این پژوهش تلاش براین است که با روش کتابخانه‌ای به بررسی صلاحیت جهانی، مبانی و شرایط اجرای آن از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق جزای افغانستان پرداخته و این اصل مورد توصیف و بررسی قرار گیرد. پذیرش این اصل همانند عضویت در اساسنامه رم اختیاری بوده و به همین دلیل رویه واحدی از سوی کشورها در زمینه پذیرش و جرایم تحت شمول این صلاحیت وجود ندارد و لذا در مقام

\* دکتر حقوق جرم و جرم شناسی، کادر علمی داشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص)

Skandari12@gmail.com

تطبيق با چالش‌های حقوقی و غیرحقوقی مواجه است اما در مجموع نمونه‌های عملی این اصل حاکی از کارکرد موثر آن در زمینه مبارزه با جرایم بین‌المللی به ویژه برای کشورهای ضعیف است.  
**واژگان کلیدی:** صلاحیت جهانی، جزای بین‌الملل، مبانی، قلمرو، شرایط اجرا، موانع.

## مقدمه

از مباحث مهم حقوق جزای بین‌الملل، موضوع صلاحیت‌هاست که برخی از آن تعبیر به «قلمرو نصوص حقوق جزا در زمان» می‌نماید. صلاحیت و یا شایستگی محاکم کشورها نسبت به رسیدگی مسایل کیفری از منظرهای متفاوتی تقسیم بندی شده است. از لحاظ مقام تطبیق کننده و ارتباط آن‌ها با یک دیگر به صلاحیت‌های تقنی، قضایی و اجرایی طبقه بندی گردیده است و به لحاظ قلمرو به صلاحیت‌های سرزمنی، شخصی مثبت و یا منفی، و صلاحیت حمایتی و یا به تعبیر دیگر صلاحیت واقعی تقسیم شده است. اما یکی از انواع مهم و موثر صلاحیت‌ها به خصوص در راستایی جلوگیری از جرایم بین‌المللی و تأمین عدالت اجتماعی، صلاحیت جهانی است. این نوع از صلاحیت بر مبنای نوع جرم و مکان دستگیری مجرم تاسیس شده است. هریک از صلاحیت‌های گفته شده نیازمند بحث و بررسی مستقل است، اما این تحقیق تلاش دارد صلاحیت جهانی را در پرتو معاهدات بین‌المللی و حقوق جزای افغانستان کنکاش نموده، جرایم تحت شمول صلاحیت جهانی، مبانی، شرایط اجرا و موانع آن را به بحث بگیرد. سوال اساسی این است که با وجود تکمیلی بودن صلاحیت دیوان دائمی جزای بین‌الملل چه راهکارهای جهت محاکمه جنایتکاران بین‌المللی وجود دارد و با چه تدابیری ملت‌ها می‌توانند از بی مجازات ماندن مجرمان بین‌المللی جلوگیری نمایند؟

فرضیه تکمیلی بودن صلاحیت دیوان جزای بین‌الملل، بیانگر این واقعیت است که تعییب جرائم بین‌المللی، توسط محکمة مانند I.C.C ممکن است به تنها یی برای تحقق عدالت کافی نباشد و اقدام محاکم ملی از طریق اعطای صلاحیت جهانی در خاتمه بخشیدن به بی مجازات ماندن جنایتکاران بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار است که نباید از آن چشم پوشید. از طرف دیگر به رسمیت شناختن اصل صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی تأثیری عمیق در تشویق دولت‌ها به عضویت در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی دارد، چرا که چنین عضویتی به هیچ وجه نافی صلاحیت مراجع قضائی ایشان در مقابله با جرائم بین‌المللی نخواهد بود، از همین رو در پژوهش حاضر سعی بر آن است که صلاحیت جهانی تعریف، مبانی نظری، قلمرو موضوعی، شرایط اجرا و موانع آن بررسی گردد.. تعریف صلاحیت جهانی و سابقه آن

در این بخش در آغاز به سابقه صلاحیت جهانی و سپس به تعریف آن پرداخته می‌شود.

## پیدایش صلاحیت جهانی

مطالعه تاریخ حقوق جزای بین الملل، حاکی از آن است که مفهومی شیوه صلاحیت جهانی در مورد دزدی دریایی و تجارت برد، ریشه در عرف بین المللی دارد و بر اساس آن تمامی دولت‌ها می‌توانستند دزدان دریایی را بدون در نظر گرفتن ملیت آن‌ها دستگیر و مجازات نمایند؛ اما به طور رسمی اولین اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌ها برای ایجاد صلاحیت جهانی مربوط به قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی می‌باشد. برخی از محققان در این مورد نوشتند: صلاحیت جهانی، برای اولین بار در سال ۱۸۳۰ وارد قانون کیفری اتریش گردید. بر طبق این قانون قطع نظر از جرائم علیه امنیت و اعتبار مالی دولت که موضوع مقررات خاص است، صلاحیت قضیی اتریشی، ناظر بر همه جرائمی است که در کشوری دیگر توسط فرد بیگانه ای صورت گرفته باشد. با کمی تغییر، همین قاعده در قانون ۱۸۵۲ آن کشور نیز دیده می‌شود. این صلاحیت در آن جا جنبه‌ای کلی به خود می‌گیرد و تمام جرائمی را شامل می‌شود که عموم مردم از آن نفرت دارند و قانون کیفری همه کشورها، نیز مجازاتی برای آن‌ها مقرر داشته است. حتی این قانون، جرائمی کم اهمیت‌تر مانند دزدی همراه با کیفیات مشده، فریبکاری و خیانت در امانت را هم دربر می‌گیرد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۳، ۸۵)

سابقه صلاحیت جهانی در حقوق جزای افغانستان به سال ۱۳۹۶ و به زمان تدوین کودجزای افغانستان بر می‌گردد و پیش از آن در نظام حقوق جزای افغانستان پیش‌بینی نشده بود. قانون گذار افغانستان بر مبنای تعهدات بین‌المللی دولت افغانستان نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با جنایات بین‌المللی و اساسنامه رم، اولین بار صلاحیت جهانی را در کود جزا پیش‌بینی و مقررات حاکم بر آن را بیان نمود که در بخش مربوطه توضیح بیشتر داده خواهد شد.

### ۱-۲. تعریف صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی در تعریف کلاسیک عبارت است از توسعه قلمرو حقوقی و قضائی یک کشور نسبت به اعمال ارتکابی که در مناطق خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها واقع می‌شود. (آزمایش، ۱۳۸۱، ۵) مطابق این تعریف، تطبیق صلاحیت جهانی کشورها تنها شامل جرایم بین‌المللی می‌شود که در خارج از قلمرو حاکمیت ملی مانند دریایی آزاد، هوا و فضای صورت می‌گرفت. در تعریف معاصر صلاحیت جهانی توسعه یافته است و فراتر از سه اصل صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی است. دلیل این توسعه آن است



که این سه اصل، جواب‌گوی نیازهای حقوق بین الملل کیفری نیست. «اصل صلاحیت جهانی به هریک از کشورها اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که نه در قلمرو حاکمیت آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند نه از اتباع آن‌ها هستند نه به منافع حیاتی و اساسی آن‌ها تجاوز کرده‌اند و نه علیه اتباع آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند، تنها معیار مطرح برای اعمال صلاحیت در این مورد محل دستگیری مجرم است» (خالقی، ۱۳۸۱، صص ۴۷-۵۳) صلاحیت جهانی به این معنا است که محاکم ملی یک کشور بدون هیچ عنصر ارتباطی اعم از قلمرو، تابعیت یا منفعت دولت، اقدام به اعمال صلاحیت نمایند و لذا حقوق دانان معاصر اصل صلاحیت جهانی را این گونه تعریف کرده‌اند: توسعه صلاحیت اعمال قوانین جزای یک کشور در رسیدگی به جرایم بین المللی در موارد که هیچ یک از صلاحیت‌های دیگر قابل اعمال نیست. مثلاً اگر در دریای آزاد یکی از جرایم مهم بین المللی ارتكابی مانند دزدی دریایی، جرایم جنگی و... هر دولت که مجرم را در اختیار دارد نسبت به جرم رسیدگی می‌کند. این صلاحیت در مواردی قابل اعمال است که اولاً جرم از نوع بین المللی باشد و ثانیاً دیگر صلاحیت‌ها مصدق پیدا نکند. (پوربافرانی، ۱۳۸۸، ۱۵۶) با توجه به تعریف جدید از اصل صلاحیت جهانی می‌توان گفت: صلاحیت جهانی در جای مطرح است که هیچ یک از صلاحیت‌های گفته شده قابل اجرا نباشد و محاکم ملی قادر به محاکمه جنایت کاران بین المللی نیستند و یا تمایل ندارند و برای این که هیچ مجرمی بدون مجازات باقی نماند محاکم دولت خارجی از طریق اعمال صلاحیت جهانی به تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم بین المللی پرداخته و بدین ترتیب نظم و امنیت بین المللی را محافظت می‌نمایند.

## ۲. مبانی اصل صلاحیت جهانی

برای اصل صلاحیت جهانی مبانی متعددی ذکر شده است. این مبانی عبارت از ضرورت جلوگیری از بدون مجازات ماندن مجرم، حفظ نظم عمومی کشور محل دستگیری مجرم و در نهایت حفظ نظم عمومی کشورهای جهان می‌باشد.

### ۲-۱. ضرورت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرم



یکی از اهداف مهم حقوق جزای بین الملل جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین می باشد. از همین جهت است که اصول صلاحیت کیفری ایجاد گردیده است. در عین حال و علی رغم وجود این اصول و تلاش حقوق جزای بین الملل در جهت جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین مواردی را می توان یافت که مجرمین به استناد هیچ یک از اصول پیش گفته قابل تعقیب و مجازات نبوده و در واقع از زیر بار مجازات فرار می کنند. به طور مثال هرگاه تعداد از دزدان دریایی که تابعیت هیچ کشوری را ندارند، در دریاهای آزاد به یک کشتی تجاری متعلق به کشور «الف» حمله کرده و سرنشینان آن را به قتل رسانده و اموال آن را به غارت ببرند و پس از آن به کشور «ب» بروند، از یک سو دولت «ب» واجد صلاحیت برای تعقیب و مجازات مجرمین نیست؛ به این دلیل که نه جرم در قلمرو حاکمیت او اتفاق افتاده و نه مجرمین و قربانیان آن هیچ کدام از اتباع آن کشور نبوده و جرم هم علیه منافع اساسی و مهم او نمی باشد. لذا امکان اعمال هیچ کدام از اصول صلاحیت شخصی مبتنی برتابعیت مجرم، صلاحیت شخصی مبتنی برتابعیت مجنی علیه، صلاحیت سرزمنی و صلاحیت واقعی برای او وجود ندارد. از سوی دیگر ممکن است تقاضای دولت «الف» هم مبنی بر استرداد مجرمین، از طرف دولت «ب» بنا به دلایلی از جمله فقدان قرار داد استرداد مجرمین بین دو دولت رد شود. در این صورت و در موارد دیگری نظیر این مورد، مجرم یا مجرمین بدون مجازات مانده و حقوق جزای بین الملل هم به هدف خود نرسیده است. به همین دلیل جهت رفع این نقصان و پرکردن خلاء صلاحیتی است که اصل صلاحیت جهانی به وجود آمده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۶۱) مطابق این اصل دولت محل دستگیری واجد صلاحیت برای تعقیب و مجازات مجرمین بوده و این نقص عمدۀ هم مرتفع می گردد. بعلاوه اینکه این امر در راستای تحقق عدالت می باشد، چون عدالت مقتضی آن است که مجرمی بدون مجازات باقی نماند.

### ۲-۳. حفظ نظم عمومی کشور محل دستگیری

مطالعه سیر پیدایش اصل صلاحیت جهانی حاکی از آن است که این اصل، ابتدا در ایتالیا ایجاد و بین شهرهای آن جاری گردید. (حایری، ۱۳۸۲، ۱۹) در دوران قرون وسطی هم موافقت براین محور استوار بوده که پاره‌ای از جرائم مهم را در همان محل دستگیری متهم محاکمه کنند، به این نتیجه رسیده بودند که دزدی جرمی پیوسته و مستمر است، بدین طریق

کسی که مالی را می‌دزد هرجا که او را با این مال بیابند، حالت دزدی ادامه دارد و جرمی سنگین مانند قتل عمد به وجود قاتل متصل می‌شود و این جرم هر جا که نتایج زیان‌آور آن ظاهر شود به دنبال قاتل می‌رود و رسوایی که بی‌کیفر ماندن این جرم می‌آورد، یکی از این نتایج است. (حسینی نژاد، ۱۳۷۳، ۸۰) لذا حضور ارادی و آزادانه و فارغ از هرگونه رنج و مشقت مجرم، در کشوری دیگر که از محل وقوع جرم به آن‌جا پناه برده است، به نوعی نظم عمومی آن محل را مختل می‌کند. به قول برخی از مولفین، حضور مجرم بیگانه را که فارغ از کیفر در کشور دیگری از ثمره جرائم خود بهره می‌برد، باید نشانه ادبی و فلاکت دانست. جزا دادن چنین مجرمی در محل پناهگاه لازم تر است، تا در محل وقوع جرم. مسلماً در آن‌جا جرم مردم را به وحشت افکننده است ولی مجرم ناپدید شده است. خانه ساكت و متروک او شهادت می‌دهد که او در تبعید که نوعی کفاره است بسر می‌برد ولی در اینجا یعنی در کشور پناهگاه برعکس، مردم که از جرم او با خبر شده اند، یا هرزه گرای را می‌بینند که دستخوش پست ترین تمایلات خویش است یا خادمی که خانه مخدوم را دزدیده یا تجار که با تزویر، توانگر شده و اکنون آرامش و شاید هم در خوشی و فراوانی بسر می‌برد، اگر به جزای خود نرسد هم اعتماد مردم نسبت به عدالت جزای کمرنگ گردیده و هم موجب تشویش و اضطراب آنان خواهد شد. کیفر در شاهدان مستقیم جرم کمتر مفید است تا برای این شاهدانی که نتایج پیروزمندانه جرم را می‌بینند. اگر بخواهید که کیفر اثر عبرت انگیز جمعی را داشته باشد، باید در محل دستگیری اجرا شود. (پور بافرانی، ۱۳۸۵، ۱۶۸) گرچند برخی دیگر این نظریه را که می‌تواند به عنوان یکی از مبانی اصل صلاحیت جهانی به شمار آید، اغراق آمیز دانسته و برای تعديل آن می‌گویند: «دولتی که مجرم را دستگیر می‌کند تاحدي که وجود این مجرم برای او زیان دارد او را کیفر می‌دهد و اگر تعقیب دولت از مجرم به منظور همکاری با حقوق کیفری بین المللی نباشد تعقیب در این شرایط نشانه‌ای از خود خواهد است.» (حسینی نژاد، ۱۳۸۷، ۸۰)

#### ۴-۲. حفظ نظم عمومی بین المللی

برخی از جرایم هستند که مخل نظم عمومی بین المللی است و ارتباط به کشور یا کشورهای خاصی ندارد. به گونه‌ای مثال؛ گفته شده است که دزدان دریایی دشمنان همه بشریت به حساب می‌آیند. (پور بافرانی، ۱۳۹۱، ۱۶۳) علت آن هم این است که این

#### ۴. شرایط تطبیق صلاحیت جهانی

جرائم اغلب بدون هیچ تبعیضی علیه کشته‌ها و اتباع دولت‌های مختلف ارتکاب می‌یابند. برای دزدان دریایی هیچ تفاوتی ندارد که کشته‌ای را که مورد حمله قرار داده است، متعلق به کدام کشور است و سرنوشنیان تابعیت چه کشوری را دارد. از همین رو است که فرض می‌شود، آن‌ها دشمنان همه بشریت هستند. سایر جرائم بین المللی، جرائم مانند جنایت نسل کشی، جنایت تجاوز، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی هم همین خصوصیت را دارند.

به این ترتیب با ارتکاب این جرائم و جرائم شدید و خشونتی دیگر از قبیل جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، نه فقط نظم عمومی کشور خاصی، بلکه نظم عمومی بین المللی مختل می‌شود. لذا جهت جلوگیری از اختلال این نظم است که کشور‌های مختلف باید علیه دشمن مشترک خود موضع گرفته و با آن مبارزه کنند. «این وظيفة کلیه ممالک است که با همکاری و معاوضت علیه دشمن مشترک خود جبهه گرفته و تمام مساعی خود را در مبارزه با آن به کار بندند.» (میرمیرانی، ۱۳۹۴، ۵۵) با این اوصاف که برای اخلاق و نقض نظم عمومی بین المللی وجود دارد، می‌توان گفت یکی از مهم ترین و اساسی ترین مبانی ایجاد اصل صلاحیت جهانی به شمار می‌آید. برای این منظور است که دولت‌ها از طریق قرار دادها و معاهده‌های چند جانبه متعهد می‌شوند که اگر یکی از این قبیل مجرمان در کشور آن‌ها دستگیر شد او را تعقیب و مجازات نمایند. اگر جرم دزدی دریایی را نقطه شروع ایجاد صلاحیت جهانی بدانیم، باید گفت که علت دشمنی جامعه با دزدان دریایی خطرناک بودن این مجرمین برای جامعه بین المللی و نه فقط متضررین از جرم بوده است. همانطوری که یکی از حقوقدانان می‌گوید: «حقوق بین الملل دیر زمانی است که بعضی از اعمال را به عنوان این‌که علی الخصوص برای جامعه بین المللی خطرناک هستند مورد توجه قرار داده است. از جمله این اعمال را می‌توان به غارت دریایی اشاره کرد که استفاده صلح جویانه از دریاها را مختل می‌کرد. یعنی صلح و آرامش موجود در خیابان‌های عمومی و مشترک برای تمام ملل را که خارج از قلمرو حاکمیت و سلطه تمامی دولت‌ها بودن برهم می‌زد. در دل دریاها باید صلح و احترام به دریانوردی صلح جویانه جامعه بین المللی حکومت کند.» (آزمایش، ۱۳۷۰، ۹۶)

اصل صلاحیت جهانی مانند، سایر اصول صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت دولت یک اصل بدون قید و شرط و مطلق نیست. بلکه این اصل در حقیقت مکمل سایر اصول و مخصوصاً اصل صلاحیت سرزمینی می‌باشد که برای رفع نقص موجود در سایر اصول به وجود آمده است. در واقع بنیادی و اساسی ترین اصول صلاحیت قوانین کیفری، اصل صلاحیت سرزمینی است و سایر اصول صلاحیت از جمله اصل جهانی برای رفع نارسایی‌های آن اصل به وجود آمده اند. (عالیه، ۱۹۹۲، ۱۳۴) بنابراین اصل صلاحیت جهانی که صلاحیت مبتنی بر دستگیری است، صلاحیت فرعی به شمار آمده و فقط در صورتی که صلاحیت عالی تر وجود نداشته باشد اعمال می‌گردد. (الفاضل، ۱۹۷۶، ۱۴۱)

تطبیق و اعمال صلاحیت جهانی وابسته با موجودیت شرایطی است که هریک را ذیلاً به صورت خلاصه به بررسی می‌گیریم.

#### ۱-۴. وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور

از شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی این است که جرم ارتکابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده صلاحیت، واقع شده باشد. (الزعبی، ۱۳، ۱۷۸) اگر چنانچه جرم در داخل قلمرو حاکمیت کشور اتفاق افتاده باشد، آن دولت با استفاده از اصل صلاحیت سرزمینی به آن رسیدگی نموده و نیاز به اعمال صلاحیت جهانی وجود نخواهد داشت. با توجه به این شرط می‌توان گفت که وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال کننده صلاحیت، می‌تواند به دو صورت باشد. یک، جرم در دریایی آزاد یا در جایی که در قلمرو حاکمیت هیچ کشوری نیست، اتفاق افتاده باشد. مانند، ذری دریایی و تجارت برد. دوم این که گرچه جرم در قلمرو حاکمیت کشور های دیگر اتفاق افتاده باشد، اما دولت اعمال کننده صلاحیت، یعنی دولت محل دستگیری بر طبق عهد نامه های بین‌المللی، حق یا مسئولیت اعمال صلاحیت جهانی را داشته باشد. معاهدات فراوانی بر این نکته تأکید نموده است که در واقع کشور محل دستگیری متهم را موظف به محکمه یا استرداد مجرم می‌کنند.

#### ۲-۴. موجودیت مجرم در کشور محل دستگیری

یکی از شروط مهم اصل صلاحیت جهانی حضور مجرم، در کشور محل دستگیری است. به صورت کلی یکی از عوامل تحقق اصل صلاحیت جهانی رسیدگی فوری و سریع به اعمالی است که از دید جامعه بین المللی به عنوان جرم بین المللی تشخیص گردیده است. از همین جهت برای اجرای عدالت سریع و فوری، اجازه تعقیب به دولت محل دستگیری داده شده است. لازمه چنین اجرای عدالت، وجود مجرم در تحت قدرت و تسلط دولت محل دستگیری مجرم گفته شده است. از سوی دیگر با توجه به این که اصل صلاحیت جهانی محاکم کشور محل دستگیری مجرم، یک صلاحیت فرعی و تکمیلی است، لذا امکان رسیدگی غیابی برای آن دولت وجود ندارد.

علاوه براین، برخی معتقدند که حضور متهم در کشور محل دستگیری باید ارادی و از روی تمایل آن کشور باشد، در غیر این صورت مثل این که در خارج از کشور دستگیر شده و با اجبار به کشور آورده شده باشد، محاکم این کشور صالح برای رسیدگی به جرم او نخواهد بود. (علیه، ۱۹۸۸، ۳۸۱) اما برخی از اندیشمندان حقوقی دیگر معتقدند که نحوه‌ای ورود مجرم مهم نیست، بلکه صرف دستگیری او در کشور محل دستگیری برای تتحقق چنین صلاحیتی کافی است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۸۷)

به نظر می‌رسد چگونگی ورود به کشور محل دستگیری مهم نیست، ممکن است ورود مجرم ارادی باشد یا غیر ارادی، آنچه که مهم است، دستگیری مجرم توسط نهادهای عدلي و قضائي کشور محل دستگیری مجرم در داخل آن کشور است. زمانی ممکن است مجرم به قصد سفر به کشور «الف» سوار هواییما گردد. اما هواییما از روی اضطرار در کشور «ب» فرود می‌آید و در این کشور مجرم دستگیر می‌شود، چنین ورود گرچند ارادی نیست، ولی محاکم این کشور صلاحیت دارد به جرم وی رسیدگی نماید. اما اگر چنانچه نیروهای امنیتی کشور «ب» برای دستگیری مجرم به کشور «الف» بدون اجازه آن کشور وارد شود و مجرم را دستگیر کرده به کشور شان می‌آورد، چنین دستگیری غیر قانونی و مداخله به حاکمیت کشور «الف» می‌باشد. چون از یک طرف کشور «ب» می‌خواهد، با محاکمه کردن مجرم نظم عمومی بین المللی را حفظ کند و از طرفی خود با تجاوز به کشور دیگر با عث از بین بردن نظم بین المللی می‌شود، چنین کاری خلاف قواعد حقوق بین المللی و مداخله صریح به حاکمیت کشور دیگر خواهد بود که در نتیجه منجر به نقض نظم جامعه بین المللی می‌گردد.

به هر صورت حضور و موجودیت مجرم در کشور محل دستگیری، از شرایط مهم و اساسی اصل صلاحیت جهانی است. گرچند امروزه دیدگاه‌ها و نظریات خلاف این نظریات نیز مطرح شده است که معتقد است، اصل صلاحیت جهانی شامل تلاش برای جستجو و دستگیری کسانی نیز می‌شود که هیچ ارتباطی با دولت اعمال کننده صلاحیت ندارند. در واقع نه جرم در سرزمین آن صورت گرفته، نه مجرم یا مجنی علیه تبعه اوست، نه جرم علیه منافع اساسی و حیاتی اوست و نه حتی مجرم در کشور او دستگیر شده است. از دید این نظریه پردازان چنین سعی و تلاش برای دستگیری مجرم حتی در خارج از حوزه صلاحیت‌های شان، در واقع با اهداف و اصول کنوانسیون‌های ژنو که همانا اجرای عدالت و جلوگیری از گریز جنایتکاران از مجازات است، بیشتر سازوگاری و انطباق دارد. (رنجبریان، ۱۳، ۱۴۰)

#### ۴-۳. مجرمانه بودن رفتار در یکی از عهدهنامه‌های بین‌المللی

شرط دیگری برای اعمال صلاحیت جهانی، لزوم موجودیت عهد نامه‌ای بین‌المللی مبنی بر جرم بین‌المللی بودن عمل ارتکابی و الحاق کشور محل دستگیری مجرم به آن، می‌باشد. اگر چنانچه معاهده‌ای بین‌المللی در این خصوص وجود نداشته باشد یا کشور محل دستگیری عضویت چنین معاهده را نداشته باشد، کشور محل دستگیری نمی‌تواند، مدعی اعمال صلاحیت جهانی بر شخصی باشد که او را در کشور خود دستگیر نموده است.

این عهدهنامه‌ها عبارتند از: کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با گروگانگیری مصوب ۱۹۸۴، کنوانسیون بین‌المللی شکنجه مصوب ۱۹۷۹ و کنوانسیون منع مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳. در کنار موجودیت چنین عهدهنامه‌های الحاق دولت‌ها به آن نیز ضروری و الزامی می‌باشد، که پس از ملحقة شدن دولت‌ها به چنین عهد نامه‌ها، آن‌ها به صورت یک اصل و قاعده جزایی در آمده و رعایت آن برای کشورهای عضو الزامی می‌باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۸۹)

لازم به ذکر است که برخی از کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ مبنی عرف بین‌المللی است؛ از همین رو بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی هر کشوری

حق و تکلیف عمل کردن به قواعد آن را دارد. لذا این کنوانسیون‌ها حتی برای کشورهای غیر عضو نیز لازم الاتّباع است. با این وجود شرط الحق دلت به چنین عهده‌نامه‌های که میان عرفی بین‌المللی است و از قواعد عام الشمول به حساب می‌آید، لازم به نظر نمی‌رسد.

#### ۴-۴. مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری مجرم

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، یکی از اصول مسلم و اساسی حقوق جزا است که رعایت آن در هر صورت لازم است. لذا در اعمال صلاحیت جهانی نیز این نکته مورد توجه قرار داده شود، دولتی که می‌خواهد به تعقیب و مجازات مجرم مبادرت ورزد، عمل ارتکابی باید مطابق قوانین جزایی داخلی آن کشور، مجرمانه و قابل مجازات باشد، در غیر آن صورت، تعقیب و مجازات کردن چنین شخصی اصولی و قانونی نخواهد بود. جرم بودن عمل ارتکابی ممکن است قبل از الحق دلت به این معاهدات بین‌المللی باشد و یا بعد از الحق دلت به آن‌ها. به عبارت دیگر تفاوت ندارد که قبل از ملحق شدن دولت به این عهد نامه‌ها، عمل مذبور مطابق قوانین جزایی آن کشور مجرمانه و قابل مجازات باشد یا پس از الحق به این معاهدات و با تأسی به آن‌ها دولت مربوطه مبادرت به مجرمانه قلمداد نمودن این قبیل اعمال نموده باشد. (See Hafen, 1992: 191-230) با این حال چنانچه جرم مشمول صلاحیت جهانی موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی باشد که دولت درخواست‌کننده و دولت درخواست‌شونده عضو آن باشند اصل مجرمیت متقابل محقق شده است، اما در خصوص جرایم جهانی که به طور یک جانبه از سوی دولت درخواست‌کننده جرم انگاری شده است و مورد شناسایی دولت درخواست‌شونده نیست، همکاری در اعمال صلاحیت جهانی با چالش مواجه خواهد بود.

#### ۴-۵. عدم محکمه قبلى

عدم رسیدگی قبلى یکی از شرایط مهم اعمال صلاحیت جهانی است، به دلیل این‌که همانطوری که قبلاً اشاره شد، اصل صلاحیت جهانی یک اصل فرعی و مکمل سایر اصول صلاحیت فرامرزی می‌باشد. لذا این احتمال وجود دارد که جرم موضوع اصل صلاحیت جهانی، قبلاً با استناد به سایر اصول صلاحیت (اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجرم، اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و اصل

صلاحیت واقعی) مورد رسیدگی، محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد. بنابراین اگر مجرم موضوع این اصل، قبلًا با استناد به یکی از اصول صلاحیت‌های متذکره، مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد، با استناد به این اصل، مجددًا قابل مجازات و محاکمه نمی‌باشد. در واقع این شرط که نشأت گرفته از اصل مسلم و اساسی حقوق جزای بین الملل، یعنی اصل «منع محاکمه مجدد» است، در ماده ۹ پیش نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری مصوب ۱۹۹۱ کمیسیون حقوق بین الملل و ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ نیز اشاره گردیده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۱۳۵)

## ۵. صلاحیت جهانی در حقوق جزای افغانستان

قانونگذار افغانستان در ماده ۲۶ کودک جزا صلاحیت جهانی را بیان نموده است: «جرائمی که مطابق اسناد بین المللی جرم شناخته شده باشد، مرتكب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلي قرار داده می‌شود، مشروط بر اینکه این گونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و برآن مجازات معین وسایر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق نباشد». در این ماده صلاحیت جهانی قوانین افغانستان بر جرایم بین المللی مقرر شده است. البته اندراج و پیش بینی صلاحیت جهانی در قوانین جزای افغانستان از ابتکارات کودک جزا است و در قوانین جزای قبلی افغانستان، صلاحیت جهانی مطرح نشده بود.

در ماده ۲۶ کودک جزا صلاحیت جهانی به عنوان یکی از چهار صلاحیت جزایی است پیش بینی شده است. بر اساس این صلاحیت قوانین و مراجع جزایی افغانستان صلاحیت تطبیق و رسیدگی به جرایم بین المللی را بدون توجه به محل ارتکاب جرم و تابعیت مرتكب و مجنی عليه دارد. بر اساس ماده مذکور، برای اعمال صلاحیت جهانی لازم است چهار شرط وجود داشته باشد. شرط اول این که عمل ارتکابی بر اساس یک سند بین المللی مانند یک معاهده جرم انگاری شده و جرم شناخته شده باشد. شرط دوم حضور متهم در قلمرو کشور است. بر اساس این شرط محاکمه غایبی بر اساس صلاحیت جهانی جواز ندارد، شرط سوم جرم انگاری عمل در قوانین افغانستان و شرط چهارم اینکه مراجع جزایی افغانستان زمانی صلاحیت دارد و قوانین کشور تطبیق می‌گردد که هیچ یک از صلاحیت‌های سرزمینی،

شخصی و واقعی موجود نباشد. در صورت که یکی از صلاحیت های دیگر جزایی موجود باشد، صلاحیت جهانی قابل اعمال نیست.

## ۶. جرایم مشمول صلاحیت جهانی

در قدیم صرفاً دو جرم (دزدی دریابی و بردۀ داری) موضوع این نوع صلاحیت بودند؛ اما در طی چند قرن اخیر، قاعده صلاحیت جهانی اندکی از شکل ابتدایی خود خارج شده و تکامل یافته است. این اصل نه تنها دزدان دریابی، بلکه فهرست کامل تری از جنایات بین المللی، از جمله تجارت بردۀ، نسل کشی، شکنجه و غیره را شامل می شود. این فهرست به موازات گستردگی ابعاد قواعد بین المللی وسیعتر شده است. در دهه گذشته، کاربرد صلاحیت جهانی توسط دولت‌ها با سرعت بیشتری رو به رشد بوده است. مذاکرات گسترده بر سر ایجاد دیوان بین المللی کیفری دائمی که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ انجام گرفت، فرصتی برای مذاکرات و بازنگری های اساسی در مورد دکترین صلاحیت جهانی فراهم آورد.<sup>385</sup> Bartram, 2001، درخصوص این‌که چه جرائمی مشمول این نوع اعمال صلاحیت هستند، تاکنون بحث و گفتگوهای بسیاری صورت گرفته است و با توجه به تفکیکی که درخصوص جرائم بین المللی و جنایات بین المللی انجام شد، روشن می شود که صلاحیت جهانی نسبت به کدامیک از این نوع افعال اعمال خواهد شد. آیا این صلاحیت علاوه بر جنایات بین المللی مشمول جرائم بین المللی هم می شود یا نه؟ نکته قابل توجه این است که وقتی کمیسیون حقوق بین الملل مسئول جمع آوری فهرست جرائم بین المللی گردید، هر دو دسته جرائم بین المللی و جنایات بین المللی را در تعریف خود آورد و به تقاضت بین آن‌ها اشاره ننمود. (آزمایش، ۱۳۷۴، ۵۷) مسأله دیگر این است که دولت‌ها محدوده صلاحیت ملی خود را توسعه داده و برای اعمال صلاحیت جهانی آرام آرام از شمول جنایات بین المللی فراتر رفته و بسیاری از جرائم بین المللی را نیز مشمول اعمال این نوع صلاحیت نمودند و ما شاهد آن هستیم که کتوانسیون‌های بسیاری در مورد تروریسم، طیاره ربائی منعقد گردیده و مرتباً دامنة شمول تعهدات دولت‌ها را گسترش می دهند. در حالی که بعضی از دولت‌ها تنها در سه مورد نسل کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، صلاحیت جهانی برای خود وضع نمودند. در هر صورت در حال حاضر سیر حوادث به سوی پیشرفت و توسعه صلاحیت جهانی نسبت به سایر موارد ادامه دارد و برخی از نمونه‌های عملی رسیدگی به جرایم تحت

شمول صلاحیت قضایی جهانی قرار ذیل است: چند نفر از یوگسلاوه سابق در آلمان و ناروی، جنایت کارانی از روندا در بلژیک، جنایت کارانی آرژانتینی در اسپانیا و جنایت کارانی مورتانيا بی در فرانسه بر مبنای صلاحیت جهانی تحت تعقیب قرار گرفته و محکمه شدند. از افغانستان حسام الدین حسام در ۲۰۰۵ و حبیب جلال زوی در ۲۰۰۷ در هالند به اتهام جنایت‌های جنگی محکوم و به زندان رفتند. فریاد سرور زرداد در سال ۲۰۰۷ در انگلستان به اتهام شکنجه، محکمه و به زندان محکوم شد. (رستم خانی، ۱۳۸۹، ۵).

## ۷. موانع و چالش‌های صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی در جهت جلوگیری از بی‌کیفر ماندن جنایت کاران بین المللی نقش موثری ایفا می‌کند، اما با موانع و چالش‌های نیز مواجه است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۷. باوجود این که مطابق ماده ۲۹ اساسنامه رم، جنایات تحت صلاحیت قضایی دادگاه، شامل هیچ نوع قاعده مرور زمان نمی‌شوند، اما در بعضی کشورها جنایت‌ها مشمول مرور زمان می‌شود. در آلمان و انگلستان مرور زمان برای جنبه مدنی جرایم جنگی نهایتاً تا شش سال پیش بینی شده است. (Redress Trust, 1999: 39) از باب مثال در انگلستان دادستان بیان داشت که جرم جنگی در سال ۱۹۴۲ که منجر به کشته شدن دو یهودی غیرنظمی شده است، مشمول مرور زمان شده است و نمی‌تواند در سال ۱۹۹۱ مسموع باشد. (Redress Trust, 1999: 38) از سوی دیگر قلمرو صلاحیت جهانی منحصر به جرایم بین المللی ذاتی مندرج در اساسنامه رم نیست ولذا این نوع جرایم عموماً مطابق قوانین ملی کشورها تحت شمول قاعدة مرور زمان قرار می‌گیرد و حتی با صلاحیت جهانی هم دیگر قابل تعقیب نخواهد بود. از باب مثال مطابق ماده ۲۷ قانون اجرات جزای افغانستان (۱۳۹۳)، مرور زمان در جرم جنایت مدت (۱۰) سال و در جرم جنحه به مدت سه سال تعیین گردیده است، هر گاه جرم جنایت و جنحه در مدت زمان مشخص شده تحت تعقیب عدلی قرار نگیرد تابع مرور زمان می‌گردد و دعواهای جزائی بنابر سبب مرور زمان ساقط می‌گردد.

۲-۷. مصونیت‌های قانونی یکی دیگر از مشکلات است. طبق قانون دیوان بین المللی دادگستری، رئیس یک کشور اعم از رئیس جمهور یا نخست وزیر و وزیر خارجه را نمی‌توان به خاطر جنایت مورد پیگرد قرار داد؛ چون مانع انجام وظیفه شان می‌شود.، زمانی می‌توان

آن‌ها را مورد پیگرد قرار داد که از سمت شان کنار رفته باشند.<sup>۱</sup> البته این موضوع با اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری در تضاد قرار دارد. ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم مقرر می‌دارد: همه‌ی مرتكبان جنایت‌های بین‌المللی را صرف نظر از سمت شان می‌توان مورد پیگرد قرار داد.

۳-۷. داد و ستد و نفوذ سیاسی دولت‌ها یکی از موانع جدی است. برای مثال، در اکتبر ۲۰۰۷ قاضی دادگاهی در پاریس حکم بازداشت رامزفلد را صادر کرد. اما در نوامبر همان سال خارنوال بر اساس اظهار وزارت امور خارجه فرانسه که این حکم بر روابط فرانسه با امریکا تاثیر منفی می‌گذارد آن را خلاف قانون دانست. اسراییل هم مدام به کشورهای اروپایی به خصوص آلمان و انگلیس فشار می‌آورد تا شکایت‌های علیه مقامات آن کشور را اصلاً نپذیرند و مورد بررسی قرار ندهند، چه رسد به این که این گونه شکایت‌ها به نتیجه گیری بررس و حکم صادر شود. در شروع نوامبر ۲۰۱۰ در طی سفر ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلستان به خاورمیانه و اسراییل، دولت اسراییل اعلام کرد که در اعتراض به استفاده از صلاحیت قضایی جهانی در انگلستان گفتگوهای استراتژیک بین دو کشور را معلق کرده است. (رسم خانی، ۱۳۸۹، ۷)

۴-۷. مشمول عفو شدن: عفو از سوی مقامات صلاحیتدار نسبت به شخص یا گروهی که متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی هستند می‌تواند مانع برای اعمال صلاحیت جهانی محکم ملی باشد. هرچند اساسنامه‌ای دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری درباره عفو در جرایم بین‌المللی سکوت کرده‌اند. (خدداد، ۱۳۹۱، ۶۶) اما اساسنامه‌ی دیوان ویژه لبنان صریحاً اعطای عفو به متهمین ترور رفیق حریری و همراهانش را ممنوع کرده است. هم‌چنین دیرکل سازمان ملل متعدد در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که وی موافقت‌نامه صلح سیرالئون را امضا خواهد کرد مشروط به این شرط مهم که «عفو و گذشت نسبت به جرایم بین‌المللی نسل‌کشی، جرم علیه بشریت، جرایم جنگی و سایر تخلفات مهم از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قابل اجرا نخواهد بود.» (شريعت باقری، ۱۳۸۲، ۹۱)

---

<sup>۱</sup> ICJ Report, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v Belgium), para. 58.

۵-۷. عدم رویه واحد دولت‌ها در مورد صلاحیت جهانی: دولت‌ها در مورد پذیریش صلاحیت جهانی و جرایم تحت شمول آن وحدت نظری ندارند و به طور کلی رویکرد دولت‌ها نسبت به اصل صلاحیت جهانی به چهار دسته تقسیم می‌گردد. مومنی، ۱۳۹۳، ۱۶۰)

۱-۵-۷. کشورهای مانند سودان، مصر و هند صلاحیت جهانی را قبول نکرده‌اند.

۲-۵-۷. پذیریش بدون تعیین مصدق. بریخی کشورها مانند ارمنستان، بوسنی و هرزگوین، تاجکستان، روسیه رومانی، سویس، فرانسه و لبنان، صلاحیت جهانی را پذیرفته اما مصدق خاص از جرایم را به عنوان قلمرو صلاحیت جهانی تعیین نکرده‌اند.

۳-۵-۷. پذیریش با تعیین مصادیق معین. مانند امارات متحده عربی، انگلیس، بلژیک و کانادا. از باب مثال جرایم مشمول صلاحیت جهانی در امارات متحده عبارتند از: تحریب یا تعطیلی وسایل ارتباطی دولتی، جرایم تجارت مواد مخدر، زنان، کودکان، بردگی، راهنمی دریایی و تروریسم دولتی.

۴-۵-۷. پذیریش با تعیین قلمرو وسیع از مصادیق صلاحیت جهانی. مانند آذربایجان، آلمان، سویدن و فنلاند. در قانون کیفری آذربایجان جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جرایم علیه صلح و نوع بشریت، جنایت جنگی، تروریسم؛ حمایت مالی از تروریسم، طیاره ربایی، گروگانگیری، شکنجه، دزدی دریایی، ترویج غیر قانونی مواد مخدر، ساخت پول یا مهر تقلیبی، حمله به اشخاص مورد حمایت بین المللی و هم چنین سایر جرایم ذکر شده در توافق نامه‌های بین المللی آذربایجان. در قانون مجازات ۲۰۰۸ ماده ۶ آلمان، جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جرایم مرتبط با انرژی هسته و مواد منفجره، حمله به وسایل نقلیه هوایی و دریایی، بهره کشی جنسی، استثمار نیروی کار، تجارت غیر قانونی مواد مخدر، توزیع کتب و عکس‌های مستهجن، جعل اسکناس و اوراق بهادر و جرایم که مطابق توافق نامه بین المللی برای آلمان الزام آور است.

مطابق بند ۶ بخش ۳ قانون کیفری ۱۹۶۲ سوید جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی قرار دارد: تحریب سیستم دریایی، هوایی و فرودگاهی، جرایم علیه حقوق بین الملل، اقدامات غیر قانونی مرتبط با سلاح‌های شیمایی و مین‌ها، اظهارات غلط یا غیر دقیق نزد یک محکمه بین المللی. در بخش ۷ قانون مجازات فنلاند اصلاحی ۲۰۰۸ تحت عنوان جرایم بین المللی

مقرر می‌دارد که مطابق به توافقات بین‌المللی، جرایم ذیل مشمول صلاحیت جهانی است: جعل پول رایج، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌زدایی، فاچاق و ترویج مواد مخدر و دواهای روانگردان، طیاره‌ربایی، قتل عمدى، حمله یا سلب آزادی اشخاص مورد حمایت بین‌المللی. (مومنی، ۱۳۹۳، ۱۶۱-۱۷۳).

### نتیجه‌گیری کلی

صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل معاصر عبارتست از توسعه صلاحیت تقینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایم بین‌المللی که در خارج از قلمرو حاکمیت اتفاق افتاده و هیچ یک از صلاحیت‌های دیگر قابل اجرا نباشد. این صلاحیت از مبانی متعدد (مانند حفظ نظم عمومی و جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمان در سطح ملی و بین‌المللی) برخوردار است و باشرایط ویژه (مانند وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشورها، مجرمانه بودن رفتار در یکی از عهدنامه‌های بین‌المللی و مقررات داخلی، عدم محکمه قبلی و حضور مجرم در کشور محل محکمه؛ قابلیت اجرا را دارد و موضوع صلاحیت جهانی جرایم بین‌المللی قراردادی و ذاتی است. صلاحیت جهانی در مقام اجرا با موانع و چالش‌های متعددی رو برو است. عدم اتخاذ رویه واحد از جانب کشورها در مورد قلمرو صلاحیت جهانی، اصل پذیرش و ملاحظات سیاسی کشورها در مورد مجرمان بین‌المللی و دخالت روابط دیپلماتیک در عرصه قضایی از مهم‌ترین مشکلات و موانع صلاحیت جهانی در حوزه نظری و عملی آن است.

کود جزای افغانستان در ماده ۲۶، صلاحیت جهانی را پیش‌بینی و چهار شرط (مجرمانه بودن عمل در یکی از اسناد بین‌المللی، مجرمیت متقابل، عدم محکمه قبلی و قابلیت اجرا نبودن سایر صلاحیت‌ها)؛ برای اجرایی شدن آن ذکر نموده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانونگذار افغانستان در بحث صلاحیت جهانی تابع مقررات بین‌المللی بوده و در مطابقت با کنوانسیون‌های بین‌المللی این صلاحیت را مقرر نموده است و البته مصادیق مشخصی از جرایم را که مشمول این صلاحیت می‌شود بیان نکرده و صرفاً به کلیات بسند نموده است.

## منابع

١. الشورابي، عبدالحميد، (٢٠٠٣)، التعليق الموضوعى على قانون العقوبات، الكتاب الأول، الاسكندرية، مطبعه عصام جابر.
٢. العوجى، مصطفى، (١٩٨٨)، القانون الجنائى العام، جلد ١، الطبعه الثانية، بيروت، مؤسسه نوفل.
٣. آزمایش، علی، (١٣٨٢) تقريرات درس حقوق بين الملل كيفري، دوره دكتري، دانشكده حقوق دانشگاه تهران.
٤. الباوردى العتىبى، سعود بن عبد العالى، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنة بالأنظمة المعمول بها في المملكة العربية السعودية، رياض، چاپ دوم، ١٤٢٧، بر اساس مجموعه الشامله.
٥. استانيسلا و بلاوسکى، (١٣٧٠)، برسى اصول اساسى حقوق بين الملل كيفري، ترجمه على آزمایش، انتشارات دانشكده حقوق دانشگاه تهران.
٦. پوريافرانى، حسن (١٣٩١)؛ حقوق جزای بين الملل، انتشارات جنگل، چاپ چهارم.
٧. ؛ (١٣٨٨)، حقوق جزای بين الملل، ایران، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
٨. حسينقلی، حسيني نژاد (١٣٧٣)؛ حقوق كيفري بين الملل اسلامي، نشر ميزان، چاپ اول.
٩. خالقى، علی، (١٣٨٨)، جستارهایي از حقوق جزای بين الملل، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول.
١٠. خداداد، زهرا، (١٣٩١)، صلاحیت جهانی و حاکمیت دولتها در حقوق بين الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بين الملل، دانشگاه قم.
١١. رستم خانى، خليل (١٣٩٨)، راهكارهای پیگیرد ناقضان حقوق بشر در سطح بين الملل، كتاب سياست نامه ٦-٧، کابل، آرمان شهر.
١٢. رنجبريان، اميرحسين، (١٣٨١) قانون ١٩٩٣-بلزيك، رأي ٤١ فبراير ٢٠٠٢ ديوان بين الملل دادگستری، صلاحیت كيفري جهانى در بوته آزمون، مجلة دانشكده حقوق و علوم سياسي، شماره ٥٨.
١٣. زغبي، فريد، (١٩٩٥)، الموسوعه الجزايرية، جلد ٦، دار صادر، الطبعه الثالثه.
١٤. ساك كيتي چايسارى، كريانگ (١٣٨٣ ه.ش)؛ حقوق بين الملل كيفري، ترجمة بهنام يوسفيان و محمد اسماعيلي، تهران، سمت، چ ١.
١٥. شريعت باقري، محمد جواد (١٣٩٠)؛ اسناد ديوان كيفري بين الملل، تهران، انتشارات جنگل.
١٦. شهباز، مير ميراني، (١٣٤٩)، حقوق جزای بين الملل، ماهنامه قضائي، شماره ٥.
- ١٥. عاليه، سمير، (١٩٩٢)، قانون العقوبات (القسم العام)، الموسسه الجامعيه للدراسات و النشر والتوزيع، بيروت، چاپ اول.
١٧. عبدالملك، جندي، (بي تا)، الموسوعه الجنائية، جلد ٥، دار احياء التراث العربي.
١٨. فاضل، محمد، (١٩٧٦)، المبادي العامه فى التشريع الجزائى، دمشق، مطبعه الداودى

۱۹. کسسه، آنتونیو(۱۳۸۷ه.ش)؛ حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران و دیگران، تهران، جنگل- جاویدانه، ج ۱.
۲۰. کودجزا(۱۳۹۶).
۲۱. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۳)؛ حقوق بین الملل کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
۲۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)؛ دادگاه کیفری بین المللی تهران، دادگستر.
۲۳. مجید حائری، (۱۳۸۲)، حقوق جزای بین المللی، کانون وکلاء، س ۲، ۲۱، ۲۲، ۲۰.
24. S. Brown Bartram, "The Evolving Concept Of Universal Jurisdiction", New England Law Review, Vol.35:2, 2001, P.385
25. Redress Trust, (1999), Universal Jurisdiction In The European Union, 1999
26. available at [www.redress.org/downloads/conferences/country%20studies.pdf](http://www.redress.org/downloads/conferences/country%20studies.pdf)
27. Hafen, Jonathan, (1992), "International Extradition: Issues Arising Under the Dual Criminality Requirement", Brigham Young University Law Review, No.191.